

تبیین ژئوپلیتیکی عوامل تنش و منازعه در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

عباس علیپورا^۱، حسن سعادت^۲، محسن رادمهر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

چکیده

تنش و منازعه میان دو کشور و یا واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی قدمتی طولانی و سابقه‌ای به درازای عمر بشر دارد. بدون تردید یکی از عوامل مهم تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی، جغرافیا و ژئوپلیتیک است. دولت مردان کشورهایی که با محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روبه‌رو هستند؛ برای تغییر این وضعیت، غالباً دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه داشته و مستعد وقوع تنش و منازعه هستند. جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران نیز یکی از مهم‌ترین جنگ‌های دوره معاصر است که تا حد زیادی متأثر از ژئوپلیتیک و عامل جغرافیا بوده است. هدف این پژوهش، بررسی و تبیین عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بر طبق نظریات تنش و منازعه است. در واقع، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه میان ایران و عراق براساس نظریات تنش و منازعه کدامند؟ این پژوهش براساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابعی چون کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که براساس نظریات تنش و منازعه پیتروهاگت، جان ام کالینز، ادوارد لوتواک، ساموئل هانتینگتون و محمدرضا حافظ‌نیا؛ عوامل سرزمینی و قلمرویی، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، هیدروپلیتیک، سیاسی و ژئواستراتژی مهم‌ترین عوامل تنش و منازعه میان ایران و عراق بوده و باعث بروز جنگ تحمیلی شده است.

کلید واژه‌ها: ژئوپلیتیک، ایران، عراق، جنگ تحمیلی، تنش و منازعه

۱- دکترای جغرافیای سیاسی، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).

۲- دکترای جغرافیای سیاسی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و دفاع مقدس، پژوهشگر و مربی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه السلام).

۱ - مقدمه

تضاد، اختلاف، ناسازگاری، منازعه و جنگ میان انسان‌ها از همان ابتدای آفرینش انسان و در طول دوره‌های مختلف تاریخی، مرسوم و مداوم بوده است. گاهی این تضادها به شکل‌های گوناگون و از سطوح خرد میان افراد و گروه‌های اجتماعی تا سطح کلان میان ملت‌ها، حکومت‌ها و کشورها رخ داده است. ویژگی فراگیری و تداوم منازعه در هر عصر و زمان و تأثیرات آن در امنیت جوامع انسانی در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی یا جهانی، این پدیده را به موضوعی قابل پژوهش و بررسی در دانش و علوم مرتبط تبدیل کرده است (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۵). از آغاز تاریخ تحولات علم، بررسی و تحلیل آن با هدف مقابله با ناامنی و دستیابی به راهکارهای پیشگیرانه، استقرار صلح و رفع یا کاهش تأثیرات زیان‌بار آن بر زندگی انسانی وجود داشته و به مرور زمان و با تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فناورانه و... بر پیشرفت‌های علمی در این زمینه افزوده شده است (همان). بدون تردید، عامل جغرافیا و ژئوپلیتیک نقش انکارناپذیری را در وقوع منازعه و جنگ‌ها ایفا می‌کنند. کارشناسان و صاحب‌نظران، قدمت ژئوپلیتیک را به اندازه قدمت جستجوی انسان برای قلمرو، امنیت و نیز به‌اندازه قدمت دیپلماسی، استراتژی، حسادت و ترس دانسته‌اند. از ژئوپلیتیک تعاریف متعددی شده است؛ اما در کامل‌ترین تعریف؛ می‌توان ژئوپلیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر دانست. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، جغرافیا و ژئوپلیتیک هر منطقه نقش مهمی را در بروز تنش و مناقشه میان واحدهای سیاسی - فضایی هم‌جوار ایفا نموده است. به‌طوری که می‌توان گفت ریشه بسیاری از ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های هر منطقه، ریشه در وضعیت، موقعیت و ژئوپلیتیک آن منطقه و کشورهای آن دارد. دولتمردان کشورهایی که با محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روبه‌رو هستند، برای تغییر این وضعیت، غالباً دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه‌ای نسبت به همسایگان خود دارند و این امر سرمنشأ بسیاری از تنش‌ها و منازعات شده است.

کشور ایران نیز به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش، همواره از این ویژگی تأثیر پذیرفته است. در طول تاریخ، ایران گاهی به منزله پل ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب و زمانی به منزله گذرگاهی برای اقوام و قبایل بدوی شرق، مورد تجاوز و حمله کشورهای هم‌جوار قرار گرفته است؛ حملاتی که همواره خسارت‌های جانی و مالی سنگینی را برای این کشور به همراه داشته و یکی از موانع شکل‌گیری زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لازم برای تشکیل حکومت‌های مقتدر

بوده است. در عصر جدید نیز، ایران چندین بار به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکش، هدف توسعه‌طلبی‌های کشورهای هم‌جوار خود قرار گرفته است. در این دوران در مرزهای شمالی، روسیه در مقام کشوری قدرتمند، به دلیل عدم دسترسی به آب‌های گرم، براساس وصیت‌نامه پطرکبیر، ایران را به منزله مناسب‌ترین مسیر برای رسیدن به دریاهای آزاد، هدف توسعه‌طلبی خود قرار داد و این سیاست را تا آستانه تجزیه کشور پیش برد و در نهایت نیز، بخش‌های وسیعی از مناطق شمالی را از ایران جدا نمود. در مرزهای جنوبی نیز، به دلیل حضور قدرت‌های استعمارگری چون پرتغال و انگلیس، تعدادی از جزایر و متصرفات متعلق به ایران از این کشور جدا شد.

تجاوز عراق به ایران و راه‌اندازی جنگ هشت‌ساله را می‌توان آخرین مورد توسعه‌طلبی‌های کشورهای هم‌جوار عنوان کرد؛ تجاوزی که هرچند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشت، اما تا اندازه زیادی از عوامل ژئوپلیتیکی سرچشمه می‌گرفت.

کشور عراق به‌عنوان کشوری که بیشترین مرز زمینی را با ایران دارد؛ با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک نامناسبی که به‌ویژه در دسترسی به سواحل خلیج فارس از آن برخوردار است و تنها مسیر دسترسی آن به خلیج فارس نیز در حاکمیت مشترک با ایران قرار دارد، همواره ادعاهای توسعه‌طلبانه‌ای را نسبت به ایران مطرح کرده است. تا پیش از استقلال عراق، همواره نوعی پیوستگی جغرافیایی و وابستگی تاریخی میان دو کشور ایران و عراق وجود داشت. این پیوستگی در برخی از برهه‌های تاریخی، به وابستگی ژئوپلیتیک تبدیل می‌شد؛ اما با استقلال عراق، نابرابری‌های جغرافیایی و تنگنای ژئوپلیتیک بیشتر خود را نشان داد. از این رو، این کشور ناگزیر بود برای تأمین منافع خود، از حداکثر کدهای ژئوپلیتیک خود علیه همسایگانش استفاده کند، این وابستگی تبدیل به چالش بزرگ ژئوپلیتیک شد.

به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و فترتی که در مرحله گذار از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی در کشور پدید آمد، حاکمان بغداد ترغیب شدند تا به توسعه‌طلبی‌های خود درباره ایران جامه عمل بپوشانند؛ بنابراین، جنگ خانمان‌سوزی را که به مدت هشت سال طول کشید و خسارت‌ها و خرابی‌های بی‌شماری را برجای گذاشت، پی‌ریزی کردند.

این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی نظریه‌های ژئوپلیتیکی تنش و منازعه، به طور مشخص عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه را در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران براساس نظریات این حوزه مورد واکاوی

قرار داده و با تبیین عوامل مؤثر جغرافیایی در بروز تنش و منازعه میان دو واحد سیاسی هم‌جوار، زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی را بررسی و با نگاهی به آینده روابط سیاسی میان دو کشور، راهکارهایی ارائه نماید. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش این است که مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه میان ایران و عراق براساس نظریات تنش و منازعه کدامند؟

۲ - پیشینه‌شناسی

ریباز قربانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم منازعه در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک» به بررسی سرچشمه‌های بروز منازعه میان دولت‌ها در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک پرداخته‌اند.

ریباز قربانی‌نژاد (۱۳۹۷) در مقاله دیگری با عنوان «تبیین الگوی عوامل ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها» ضمن نقد و بازبینی مدل «های پوتیتکا» ی پیتر هاگت و بیان نواقص و کاستی‌های آن، الگوی جدیدی در رابطه با سرچشمه‌های تنش و منازعه در روابط کشورها را ارائه نموده است. بنا به یافته‌ها و نتایج این پژوهش، عوامل و متغیرهای تنش‌زای ژئوکالچر، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک استراتژی و ... به عنوان سرچشمه‌های ژئوپلیتیکی تنش میان کشورها معرفی شده‌اند.

میرزایی‌تبار و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل سیر تحول در نظریه‌های منازعه» که از رساله دکتری خویش استخراج کرده است با کمک همکاران خود، سیر تحول ۲۲ نظریه مهم را در موضع ریشه یا ریشه‌های وقوع منازعه در چهار گروه نظریه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل و جغرافیای ژئوپلیتیک مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

قربانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین سرچشمه‌های جغرافیای سیاسی تنش و منازعه عراق علیه ایران براساس الگوی های پوتیتکا» به تبیین و بررسی سرچشمه‌های جغرافیای سیاسی تنش و منازعه عراق علیه ایران بر پایه الگوی «های پوتیتکا» ی پیتر هاگت پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی نظیر مسئله مرزها، قومیت و مذهب، ادعاهای سرزمینی، مرز دریایی در خلیج فارس، حوزه‌های انرژی مشترک و ... نقش عمده‌ای را در بروز تنش و منازعه میان ایران و عراق ایفا کرده و خواهد کرد.

علیرغم پرداختن به مسائل ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در مقالات علمی،

به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی به صورت مستقل به عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران براساس نظریه‌های مطرح تنش و منازعه نپرداخته است.

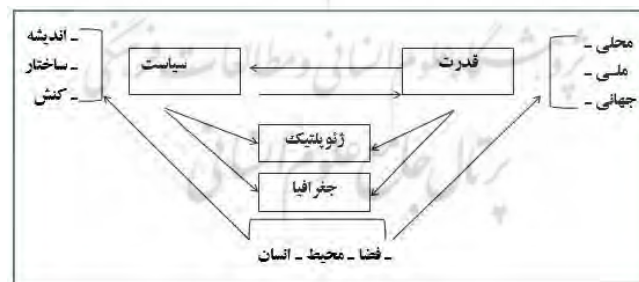
۳- روش تحقیق

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری مطالب و اطلاعات مورد نیاز نیز، از طریق مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها، مجله‌ها و مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های نوشته‌شده در خصوص موضوع پژوهش و مباحث مرتبط با آن است. در این پژوهش، از ابزارهای فیش‌برداری، سند خوانی برای گردآوری اطلاعات و از روش توصیف مبتنی بر تفکر، استدلال و تحلیل عقلانی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

۴- چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

۴-۱- مفهوم‌شناسی

ژئوپلیتیک! ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلتی ذاتی دارند. در واقع، مسائل، موضوعات و پدیده‌های مورد توجه ژئوپلیتیک به گونه‌ای با این سه عنصر ارتباط پیدا می‌نمایند. از این رو، موضوع ژئوپلیتیک را روابط متقابل بین آن‌ها تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، تعریف ژئوپلیتیک «عبارت است از مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست». این تعریف در قالب مدل سه وجهی زیر قابل تبیین و توضیح است. در این مدل، جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۷).



(شکل ۱) - مدل تعریف ژئوپلیتیک (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۷)

چالش ژئوپلیتیکی: چالش ژئوپلیتیکی عبارت است از ایجاد وضعیت برای دولت یا کشوری بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از تغییرها و عوامل جغرافیا. به عبارتی، منفعل کردن سیاست و استراتژی ملی دیگر کشورها با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی یا کاربرد جغرافیا علیه کشورهای رقیب (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

وابستگی ژئوپلیتیکی: عبارت است از وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور یا کنشگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و کنشگران سیاسی دیگر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶). در منطق ژئوپلیتیک، وابستگی در نقطه مقابل قدرت و استقلال و آزادی عمل قرار دارد. کشورهای وابسته به مزیت‌های جغرافیایی دیگران، در صورتی که فاقد عوامل و مزیت‌های جغرافیایی تعادل‌بخش و متوازن‌کننده باشند؛ در موضع ضعف قرار می‌گیرند و سیاست ملی و خارجی آن‌ها منفعل می‌شود و منافع و اهداف ملی آن‌ها با چالش و تهدید مواجه می‌گردد (پیشگامی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۶).

منازعه: منازعه به وضعیت و شرایطی اشاره دارد که در آن یک گروه و مجموعه انسانی مشخص و معین، اعم از مذهبی، فرهنگی، زبانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قبیله‌ای یا قومی به دلیل تعارض و ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف و ارزش‌ها با یک گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگر، تعارض و تضاد آگاهانه دارند. در حقیقت، منازعه نوعی کنش متقابل و تعامل افراد و کشورها با یکدیگر است که شامل مبارزه و مقابله آن‌ها با طبیعت و محیط زندگی‌شان نمی‌شود (قربانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۸).

ژئواستراتژی: واژه ژئواستراتژی نخستین بار توسط «جاکومو دوراندو» در سال ۱۸۴۶ میلادی مطرح گردید. وی که یک ژنرال ارتشی بود، دو برداشت متفاوت از ژئواستراتژی ارائه داد: از یک سو، ژئواستراتژی نگران تأثیر عوامل جغرافیایی بر ساختار گروه‌های انسانی است که خود می‌تواند هدف اصلی ژئوپلیتیک باشد و از سوی دیگر، ژئواستراتژی دارای مفهوم و معنای کاملاً نظامی است که درباره تأثیر جغرافیا در جنگ‌ها به بررسی می‌پردازد (شهلائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۵). در واقع، ژئواستراتژی علمی است که نقش عوامل محیط جغرافیایی را در تدوین استراتژی‌ها به طور اعم و استراتژی‌های نظامی به طور اخص مطالعه می‌کند (عزتی، ۱۳۸۷: ۸).

ژئواکونومی: در جهان امروز، قدرت اقتصادی یکی از عوامل مهم و تعیین کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام بین الملل است، زیرا مفهوم سنتی قدرت بر پایه قابلیت های صرفاً نظامی تغییر کرده و امروزه توانایی اقتصادی و تکنولوژیک نیز از ضروریات مفهوم جدید قدرت به حساب می آید (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۱۵). واژه «ژئواکونومی» (ژئوپلیتیک اقتصادی) در اواخر دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. در این رابطه، «برژینسکی» در مقاله خود تحت عنوان «ژئواستراتژی از راه ژئواکونومی» به این موضوع پرداخت (عزتی، ۱۳۸۵: ۲). مناطق ژئواکونومیک، مناطقی با اهمیت اقتصادی بالا و تعیین کننده هستند.

ژئوکالچر: مفهوم «ژئوکالچر» یا ژئوپلیتیک فرهنگی در اواخر دهه ۸۰ میلادی از سوی «امانوئل والرشتین» جامعه شناس مارکسیست آمریکایی مطرح شد. در این راستا، ژئوکالچر مفهومی متناظر با ژئوپلیتیک است که به جای سیاست، بر فرهنگ تمرکز دارد. ژئوکالچر مفهومی است که بر تحمیل الگوهای فرهنگی از سوی قدرت های هسته ای بر کشورهای پیرامون و نیمه پیرامونی برای زایل ساختن فرهنگ های بومی آنها اشاره دارد. در تصور والرشتین از ژئوکالچر، در دوران جدید کشاکش های بین المللی دیگر صرفاً ابعاد نظامی یا بین المللی ندارد، بلکه واجد ابعاد فرهنگی و معنوی نیز هست (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۲). ژئوکالچر به معنای اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیک است. در نظر والرشتاین، ژئوپلیتیک نوین، ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر است (روشن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳).

هیدروپلیتیک: هیدروپلیتیک به مطالعه سامانمند روابط دولت ها، بازیگران غیردولتی و سایر عناصر مانند نهادهای فرادولتی درباره بهره برداری انحصاری از آب های بین المللی می پردازد. در واقع، این تعریف بر موارد زیر تأکید دارد: (۱) بررسی ارتباط دوسویه بازیگران دولتی و غیردولتی، (۲) تأکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون کشورها، (۳) کوشش برای بهره برداری انحصاری از آب (سعیدزاده، ۱۳۸۹)، (۴) اعمال حاکمیت های گوناگون بر رودهایی که کارکردی ملی و بین المللی دارند (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹).

۴ - ۲ - نظریه‌های ژئوپلیتیکی تنش و منازعه میان کشورها

نظریه «های پوتیتکا» پیترو هاگت (۱۹۷۲ میلادی): الگوی «های پوتیتکا» توسط پیترو هاگت در سال ۱۹۷۲ میلادی ارائه شد. هاگت الگوی خود را درباره علل جغرافیایی منازعه و نقاط فشار و تنش کشورها در قالب کشور فرضی محصور در خشکی و به دور از دسترسی به آب‌های آزاد با عنوان «های پوتیتکا» ارائه کرد که وضعیت و ویژگی‌های اختصاصی آن موجب منازعه میان آن و کشورهای همسایه می‌شود (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۹). هاگت این مدل را برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ م در چاپ اول کتاب «جغرافیا: ترکیبی نو» ارائه داد و به دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا اشاره کرده است:

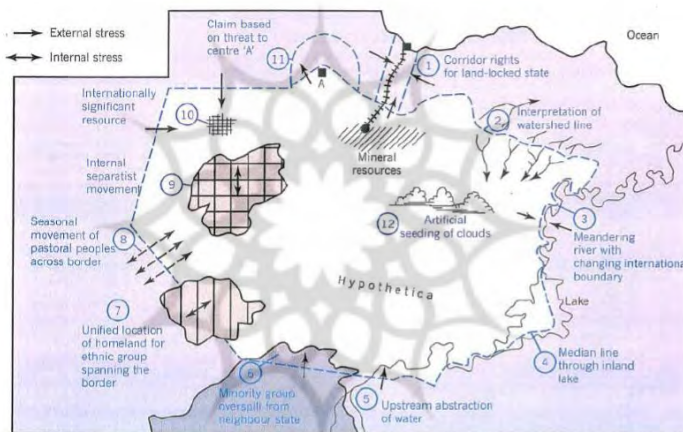
- ۱) محصوربودن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و حقوق دالانی برای دسترسی کشور محصور در خشکی به دریا از طریق خاک کشور همسایه؛
- ۲) بروز اختلاف درباره تعیین موقعیت دقیق و نحوه تفسیر خط تقسیم آب یا در مرزهای کوهستانی؛
- ۳) اختلاف درباره مرز بین‌المللی رودخانه‌ای متغیر میان کشورها؛
- ۴) اختلاف درباره تعیین دقیق مرز بین دو ساحل یک دریاچه مشترک یا یک آبراه و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن؛
- ۵) اختلاف بر سر استفاده از جریان رودی که سفلی آن از قلمرو کشور بالادست وارد می‌شود؛
- ۶) استقرار یک گروه اقلیت زبانی در امتداد مرز و گسترش سرزمینی و فضایی آن به خاک کشور همسایه؛
- ۷) استقرار یک گروه اقلیت نژادی و قومی در امتداد دو طرف مرز بین‌المللی؛
- ۸) کوچ و جابه‌جایی فصلی رهمداران کوچ‌نشین در دو سوی مرز بین‌المللی برای جستجوی مراتع فصلی؛
- ۹) وجود اقلیت‌های قومی و قبیله‌ای مختلف با گرایش‌های جدایی‌طلبی در درون کشور؛

۱۰) برخورداری یک کشور از منبع راهبردی مهم نظیر اورانیوم و یا یک منبع فرهنگی نظیر مکان‌های مقدس مذهبی که کشورهای دیگر ادعای مالکیت و تصاحب آن را داشته باشند.

۱۱) ادعای یک کشور نسبت به بخشی از سرزمین همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق و منابع مرزی خود؛

۱۲) منازعات قانونی بر سر باروری مصنوعی ابرها برای تأمین باران کشور و ایجاد بارش در قلمرو کشور همسایه در اثر جابه‌جایی ابرها (هاگت، ۱۳۹۲: ۳۷۲).

در (شکل ۲)، مدل‌های پوتیتکا پیتز هاگت و دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا و منازعه‌آفرین میان دولت‌ها نشان داده شده است.



(شکل ۲) - الگوی «های پوتیتکا» (هاگت، ۱۳۹۲: ۳۷۲)

نظریه ژئواکونومیک ادوارد لوتواک (۱۹۹۰ میلادی): «ادوارد لوتواک» نظریه خود را در ارتباط با ماهیت و علل منازعات در مقاله «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی: منطق مناقشه، دستورالعمل تجارت» در سال ۱۹۹۰ میلادی مطرح کرد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۴). به اعتقاد لوتواک، پایان جنگ سرد، اهمیت برخورداری از توانایی‌های نظامی را در ارتباط با امور جاری دنیا به صورت مداوم کاست (لوتواک، ۱۹۹۰: ۲۸۹). لوتواک از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه ۹۰ میلادی خبر می‌دهد که در آن، عوامل اقتصادی، جایگزین اهداف نظامی

می‌شود و عامل منازعات، دیگر موضوعات گذشته نیست؛ بلکه در کنار هر تنشی، یک عامل اقتصادی وجود دارد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

نظریه ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۳ میلادی): ساموئل هانتینگتون در سال ۱۹۹۳ میلادی

با نگارش مقاله‌ای با عنوان «برخورد تمدن‌ها»، خطوط گسل میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را به عنوان عامل جدید منازعه و تنش میان کشورها معرفی کرد. به اعتقاد او، سرچشمه بنیادین تعارض در جهان پس از جنگ سرد، ایدئولوژیکی یا اقتصادی نخواهد بود؛ بلکه شکاف‌های عمده در میان نوع بشر و سرچشمه اصلی مناقشات و تعارض‌ها، عوامل فرهنگی خواهد بود (قربانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸۲). از دیدگاه هانتینگتون، کشور - ملت‌ها قدرتمندترین کنشگران در امور جهان باقی خواهند ماند؛ اما تعارضات اصلی سیاست جهانی میان ملت‌ها و گروه‌هایی از تمدن‌های مختلف رخ خواهد داد. برخورد تمدن‌ها حد و مرز مناقشات آینده خواهد بود (همان: ۲۸۳).

نظریه توماس هامر - دیکسون (۱۹۹۴ میلادی): توماس هامر دیکسون یکی دیگر از

نظریه‌پردازان حوزه تنش و منازعه است که تخریب منابع زیستی یا زیست‌محیطی را با وقوع منازعات خشونت‌آمیز مرتبط می‌داند. وی در تشریح این نظریه می‌نویسد: «کمبود منابع تجدیدپذیر - یا آنچه من به عنوان کمبود منابع زیست‌محیطی معرفی می‌کنم - می‌تواند به خشونت داخلی از جمله شورش‌ها و درگیری‌های قومی کمک کند. اگرچه کمبود منابع زیست‌محیطی اغلب موجب خشونت در گذشته شده است، در دهه‌های آینده، شیوع چنین خشونت‌هایی احتمالاً افزایش خواهد یافت؛ زیرا کمبود زمین‌های زراعی، آب شیرین و جنگل‌ها در بسیاری از بخش‌های جهان در حال توسعه، بدتر می‌شود. با این حال، نقش کمبود منابع در چنین خشونت‌هایی اغلب غیرمستقیم است؛ به این معنا که در تعامل با عوامل سیاسی، اقتصادی و ... تأثیرات اجتماعی زیانباری ایجاد می‌کند که به تولید منازعه منجر می‌شود» (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۸ به نقل از ۱۷۸: Homer-Dixon, ۱۹۹۹).

نظریه جان ام کالینز (۱۹۹۸ میلادی): کالینز در کتاب «جغرافیای نظامی برای

حرفه‌ای‌ها و مردم» در بیان منازعات و تشریح آن‌ها در چارچوب ژئوپلیتیک، اصطلاح

«اصطکاک ژئوپلیتیکی^۱» را به کار می‌برد. وی می‌نویسد: «بیشترین اصطکاک ژئوپلیتیکی از جمله جنگ‌ها در زمین (خشکی) یا در امتداد مکان‌های ساحلی رخ می‌دهد که در آن‌ها جوامع انسانی، اهداف متضادی را دنبال می‌کنند. بسیاری از نقاط حساس و ناآرام، ریشه‌های جغرافیایی دارد و شاید ادعاهای ارضی ستیزه‌جویانه و منازعات زیست‌محیطی از رایج‌ترین آن‌ها باشد» (Collins, 1998: 285).

کالینز مهم‌ترین عوامل مؤثر در این زمینه را مناقشات مرزی، ادعاهای حاکمیتی متضاد، رشد افسارگسیخته جمعیت، کمبود منابع طبیعی، خشکسالی و گرسنگی ناشی از آن، مهاجرت‌های دسته‌جمعی، دشمنی‌های دینی، تنش‌های نژادی قومی قبیله‌ای و شرایط زیست‌محیطی تحمل‌ناپذیر معرفی می‌کند (همان: ۲۸۷).

وی اصطکاک‌های (منازعات) ژئوپلیتیکی را در پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱) اصطکاک بر سر محدوده‌های (مرزهای) سرزمینی؛^۲

۲) اصطکاک راهبردی؛^۳

۳) اصطکاک اقتصادی؛^۴

۴) اصطکاک فرهنگی؛^۵

۵) اصطکاک زیست‌محیطی^۶ (همان: ۳۰۱-۲۸۵).

نظریه سرچشمه‌های منازعه بین کشورها حافظ‌نیا (۲۰۰۱ میلادی): این نظریه

توسط محمدرضا حافظ‌نیا، استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس ارائه شده است. حافظ‌نیا در ارتباط با عوامل و انگیزه‌های بروز جنگ و منازعه معتقد است عوامل و ارزش‌های جغرافیایی نقش اساسی دارد؛ عواملی که به عنوان ارزش‌ها و منافع ملی از قبیل سرزمین، فضا، مرز، منابع معدنی، آب و... به آن نگریسته می‌شود؛ عواملی که موجبات تمایز و

- 1- Geopolitical Friction
- 2- Territorial Limits
- 3- Strategic Friction
- 4- Economic Friction
- 5- Cultural Friction
- 6- Environmental Friction

تفاوت نظیر گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی را به وجود می‌آورد و همچنین مسئله موجودیت و شکل‌بندی ساختار سیاسی فضا و تأسیس یا تغییر وضعیت جغرافیای سیاسی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی عمدتاً از نظر بازیگران سیاسی و حکومت‌ها به عنوان هدف سیاسی جنگ و منازعه تعیین می‌شود (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۲). وی همچنین ضمن اشاره به احتمال وجود جنبه‌های فطری و روان‌شناختی در وقوع جنگ و منازعه باور دارد که عوامل اساسی تولیدکننده جنگ، به‌طور عینی آن‌هایی است که از آن‌ها برداشت ارزش‌ها و منافع حیاتی و جمعی به عمل می‌آید که برای تصرف، کنترل یا رفع تهدید از آن‌ها به اقدام جنگی مبادرت می‌شود. این عوامل و ارزش‌های بنیادین در حوزه‌های جغرافیا، سیاست و ایدئولوژی قرار دارد (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۳۴۴). حافظنیا در بخش اصلی نظریه خود تأکید می‌کند معمولاً حکومت‌ها نسبت به برخی عوامل جغرافیایی - طبیعی یا انسانی بیرون یا درون قلمرو خود، دیدگاهی ناسازگار با دیدگاه همسایگان یا قدرت‌های منطقه‌ای یا جهانی دارند که در چنین حالتی مشاجره میان آن‌ها بروز می‌کند. وی عمده‌ترین عوامل جغرافیایی تأثیرگذار در این منازعات را به شرح زیر عنوان می‌کند:

- ۱) خاک و فضا: کشورهای قوی‌تر و کم وسعت معمولاً چشم طمع به سرزمین همسایگان ضعیف‌تر دارند و حتی به تصرف اراضی آن‌ها دست می‌یازند.
- ۲) مسیر ارتباطی: کشورهای محصور در خشکی به ارتباط با دنیای خارج نیاز دارند. برخی هم برای رفت و آمد کشتی‌های تجاری و جنگی به آبراهه‌ها و تنگه‌هایی نیازمندند که در قلمرو آن‌ها نیست؛ لذا تلاش کشورهای نیازمند برای دسترسی به این زمینه‌ها و تلاش دارندگان گذرگاه‌ها برای بهره‌مندی بیشتر، باعث تنش می‌شود.
- ۳) خط تقسیم آب و سرچشمه رودخانه‌ها: هنگامی که چنین پدیده‌ای در مرز دو کشور باشد، فرسایش بستر رود، جابه‌جایی مرز را به دنبال دارد و پیامد آن تنش و اختلاف مرزی دو کشور همسایه است. رودخانه‌هایی که در مسیر خود از چند کشور می‌گذرند و تمام یا بخشی از هر سرزمین را سیراب می‌کنند، در تنش‌زایی میان این کشورها نقش دارند؛ چون شهروندان هر کشور، مدعی «حق آب» هستند و هر دست‌کاری در آب

رودخانه‌ها مانند احداث سد، بهره‌برداری بیشتر، تغییر مسیر و... می‌تواند به اختلافات دامن بزند.

۴) مرز دریایی مشترک، گرچه براساس مفاد کنوانسیون حقوق دریاها مشخص می‌شود؛ چگونگی بهره‌برداری از کانی‌های فلات قاره، ذخایر آبیان و نیز شیوه مالکیت یا تصرف جزایر می‌تواند باعث تنش میان کشورهای ذی‌نفع شود.

۵) تعیین مرزهای دریاچه‌ای در سطوح زیرین آن، میان کشورها مسئله‌آفرین است.

۶) منابع زیرزمینی رونده مرزی که در دو سوی خط مرز گسترش پیدا کرده است؛ چنانچه میان کشورهای ذی‌نفع بر سر شیوه بهره‌برداری از آن‌ها توافقی حاصل نشود، می‌تواند به تنش میان آن‌ها بیانجامد.

۷) مجاورت پایتخت یا شهر بزرگ هر کشور با مرز و به دنبال آن قائل شدن حاشیه امنیتی برای آن.

۸) یک موقعیت راهبردی که برخورداری از آن، موازنه قدرت نظامی را دگرگون می‌کند و دارنده آن می‌تواند کشور رقیب را زیر فشار بگذارد.

۹) ذخایر کانی یا سوختی چشمگیر و غنی که کشور همسایه یا کشورهای قدرتمند برون‌مرزی و جهانی به آن چشم می‌دوزند و برای تصرف یا بهره‌برداری از آن می‌کوشند. ۱۰) روش مصنوعی باران‌زا کردن ابرهای گذرنده ممکن است با اعتراض کشورهای روبه‌رو شود که همه ساله به شکل سنتی و طبیعی از ذخیره رطوبتی این ابرها سهم و بهره‌ای داشته‌اند.

۱۱) جابه‌جایی عشایر در دو سوی مرز بین‌المللی: عشایری که برای ادامه حیات و بقای خود به دام‌پروری متکی هستند و زندگی دامی آن‌ها هم به علف‌زارهای مناطق ییلاق و قشلاق بستگی دارد، جابه‌جایی آن‌ها در دو سوی مرز بین‌المللی می‌تواند تنش‌زا باشد.

۱۲) گروه اقلیت جدایی‌خواه: اقلیت‌های قومی یا مذهبی که در حاشیه کشور مستقرند، چنانچه از اندازه و وزن ژئوپلیتیکی کافی برخوردار باشند و عوامل بیرونی نیز به آن‌ها کمک کند، می‌تواند منشأ تنش با کشور مادر باشند و بر روابط آن با کشورهای محرک یا پشتیبان خود تأثیر منفی بگذارد.

۱۳) گروه اقلیت محاط در خشکی کشور مادر

۱۴) گروه اقلیت پراکنده در دو سوی مرز بدون برخورداری از پشتیبانی یک دولت متجانس
 ۱۵) گروه اقلیت گسترش یافته از یک کشور به کشور دیگر: برخی گروه‌های اقلیت حاشیه کشورها به گونه‌ای دنباله ملت کشور دیگر هستند و با آن تجانس دارند و چنانچه حکومت‌های مادر بخواهند، می‌توانند از آن‌ها به عنوان اهرم فشار علیه همسایه استفاده و یا آنان را به جدایی از آن کشور و پیوستن به خود تشویق کنند.

۱۶) تضادهای فرهنگی و هویتی: گاهی ملت‌های همسایه به علت ویژگی‌های فرهنگی و دینی با هم سازگاری ندارند و این پدیده به اختلاف و کشمکش کمک می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۰۰-۱۹۷).

جدول ۱) - شاخص‌های نظریه‌های تنش و منازعه میان کشورها

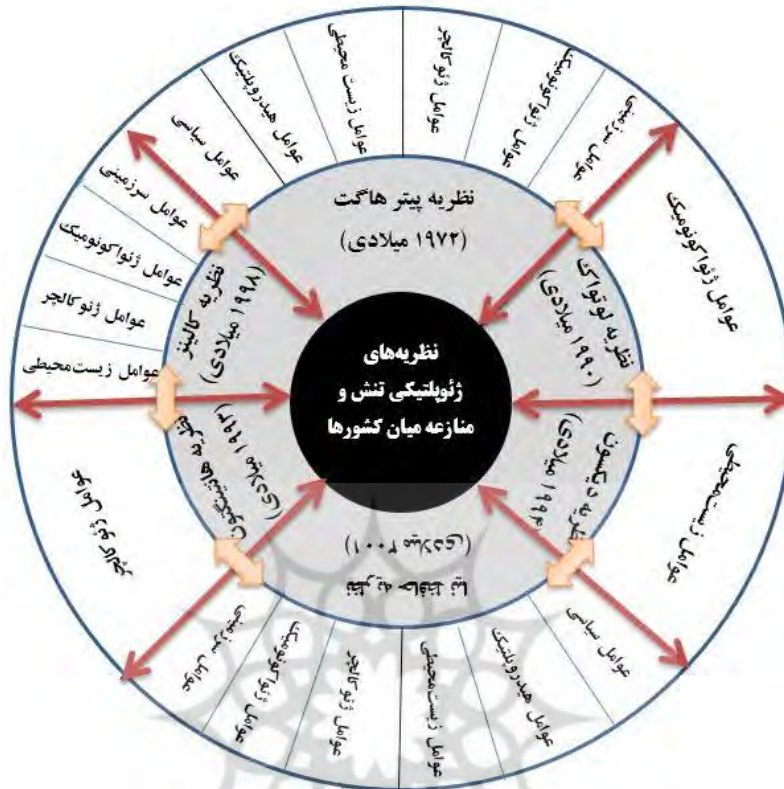
عوامل تنش و منازعه	نظریه هاگت	نظریه لوتواک	نظریه هانتینگتون	نظریه هامر-دیکسون	نظریه جان ام کالینز	نظریه حافظ‌نیا
عوامل سرزمینی	- محصور بودن در خشکی - عدم دسترسی به آب‌های آزاد				اصطکاک ژئوپلیتیکی بر سر محدوده‌های مرزی	- خاک و فضا - مسیر ارتباطی - محصور بودن در خشکی - مرز دریایی مشترک
عوامل ژئواستراتژی					اصطکاک راهبردی	مجاورت پایتخت با مرز
عوامل هیدروپلیتیک	- خط تقسیم آب					خط تقسیم آب

تبیین ژئوپلیتیکی عوامل تنش و منازعه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

سرچشمه رودخانه‌ها					- رودخانه به عنوان مرز بین‌المللی	
ذخایر کانی و معدنی	اصطکاک اقتصادی			اختلافات و کشمکش‌های اقتصادی	برخورداری از منابع راهبردی مهم	عوامل ژئواکونومیک
جابه‌جایی عشایر در دو سوی مرز - تضادهای فرهنگی و هویتی	اصطکاک فرهنگی		اختلافات فرهنگی (برخورد تمدن‌ها)		استقرار یک گروه اقلیت زبانی، قومی در امتداد مرز - کوچ و جابه‌جایی عشایر - برخورداری از منابع فرهنگی	عوامل ژئوکالچر
روش مصنوعی باران‌زا کردن ابرها	اصطکاک زیست‌محیطی	- تخریب منابع زیستی - کمبود منابع زیست‌محیطی - دسترسی نابرابر به منابع طبیعی			- باروری مصنوعی ابرها	عوامل زیست‌محیطی
گروه‌های اقلیت جدایی‌خواه					- اقلیت‌های قومی با گرایش جدایی‌طلبانه	عوامل سیاسی

۳- ۵- مدل مفهومی پژوهش

نظریه پردازان حوزه ژئوپلیتیک با طرح برخی از نظریات و دیدگاه‌های خود، به بیان اصلی‌ترین دلایل ژئوپلیتیکی بروز منازعه و درگیری میان دو واحد سیاسی پرداخته‌اند. در میان نظریه پردازان تنش و منازعه میان دولت‌ها، پیترهاگت (۱۹۷۲) تا حدودی سعی کرده است نگاهی جامع و چند بُعدی به قضیه تنش و منازعه میان کشورها داشته باشد و در نظریه‌های خود به متغیرهای مختلفی چون مسائل ژئواستراتژیک، فرهنگی، اقتصادی و هیدروپلیتیک اشاراتی داشته است. لوتواک (۱۹۹۰) تنها عامل اقتصادی را از اصلی‌ترین عوامل بروز منازعه و جنگ می‌داند. ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۳) با اشاره به برخورد تمدن‌ها، عوامل فرهنگی را عامل منازعه می‌داند. هامر دیکسون (۱۹۹۴) نیز با اشاره به عوامل زیست‌محیطی، تخریب و کاهش منابع تجدیدپذیر، افزایش تقاضا برای منابع زیست‌محیطی و ... این عوامل را باعث بروز منازعه و جنگ میان دو کشور همسایه می‌داند. جان ام کالینز (۱۹۹۸) نیز با مطرح کردن اصطکاک ژئوپلیتیکی، اصطکاک بر سر محدوده‌های مرزی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی را از اصلی‌ترین عوامل بروز اختلاف در میان کشورها می‌داند. در نظریه سرچشمه‌های منازعه حافظ‌نیا (۲۰۰۱) نیز به عوامل سرزمینی، ژئواستراتژی، فرهنگی، اقتصادی، طبیعی، زیست‌محیطی بروز تنش و منازعه اشاره شده است. از این رو با توجه به نظریات ژئوپلیتیکی تنش و منازعه، این پژوهش با ارائه مدلی سعی دارد ریشه‌های منازعه و بروز جنگ میان ایران و عراق را براساس نظریه‌های فوق بررسی کند؛ بنابراین عوامل ژئوپلیتیکی ایجادکننده تنش و منازعه در روابط کشورها نیز در ذیل عوامل فرهنگی (ژئوکالچر)، اقتصادی (ژئواکونومیک)، سرزمینی (قلمروی)، سیاسی، ژئواستراتژی، هیدروپلیتیک و زیست‌محیطی دسته‌بندی می‌شود.



(شکل ۳) - مدل مفهومی پژوهش

۴ - یافته‌های پژوهش

براساس مدل مفهومی پژوهش، عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

عوامل سرزمینی و قلمرویی: موقعیت جغرافیایی یک کشور از عوامل تأثیرگذار بر قدرت ملی آن محسوب می‌گردد. مقصود از موقعیت جغرافیایی، هم وضعیت جغرافیایی و هم وضعیت استراتژیک است. موقعیت جغرافیایی است که مشخص می‌کند یک کشور جزء قدرت‌های دریایی، کشورهای محصور در خشکی و یا برخورداری از امتیاز ساحلی بودن است (زین‌العابدین و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). عراق شرقی‌ترین کشور عربی است که مرز خشکی طولانی با کشورهای غیر

عرب در آسیا داشته و همواره خود را نگهبان دروازه شرقی جهان عرب معرفی می‌کند. این سرزمین از گذشته‌های دور، یکی از مسیرهای اتصال‌دهنده آسیا به اروپا و آفریقا بوده است، لذا کوتاه‌ترین راه خشکی برای عبور زائران خانه خدا (مکه) برای مسلمانان آسیای مرکزی، شبه قاره هند، ایران و حتی قفقاز و آسیای صغیر محسوب می‌شود. در کنار آن، موقعیت ارتباطی عراق شرایطی را برای این کشور ایجاد کرده است که به منظور ارتباط با دنیای خارج، از هر مسیری که انتخاب کند به‌استثنای سواحل این کشور در خلیج فارس که آن هم بسیار نامناسب است، نیاز به عبور از خاک یک یا چند کشور همسایه دارد. پس می‌توان گفت که عراق در کنار یک سری مزایای ارتباطی، به‌طور کلی موقعیت ارتباطی مناسبی نداشته و در یک تنگنای ارتباطی گرفتار شده است (نامی، ۱۳۸۹: ۳۳۰). از سویی دیگر، عراق از دیرباز بر سر مرز با ایران به عنوان کشور همسایه خود اختلاف داشته است. از آن زمان که عراق کنونی به‌عنوان بخشی از خاک امپراطوری نیرومند عثمانی محسوب می‌شد، اختلافات مرزی میان دو کشور وجود داشت. از لحاظ موقعیت دریایی نیز کشور عراق از سمت جنوب شرقی خود از طریق خلیج فارس با آب‌های آزاد ارتباط دارد؛ اما این کشور تنها کشوری است که با آب‌های آزاد کمترین ساحل را دارد. همین مسئله یکی از بزرگ‌ترین تنگناهای عراق از حیث اقتصادی، ارتباطی، نظامی و استراتژیک است؛ به‌گونه‌ای که همواره بر رفتارهای سیاسی- نظامی آن کشور تأثیرگذار بوده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۵۷). ساحل عراق در خلیج فارس از دهانه فاو در دهانه اروندرود شروع شده و تا بندر ام‌القصر در منتهی‌الیه خور عبدالله و مرز کویت به طول ۵۸ کیلومتر ادامه دارد. کوتاهی سواحل و نامناسب بودن آن از لحاظ کاربردی، بزرگ‌ترین تنگنای جغرافیایی این کشور محسوب می‌شود (کریمی‌پور، ۱۳۸۲: ۳۳). به همین دلیل، عراق همواره ادعا می‌کند که ایران و کویت مانع دسترسی آزادانه این کشور به خلیج فارس هستند.

از سویی دیگر، موقعیت ژئوپلیتیک و استثنایی ایران در میان کشورهای منطقه همیشه مورد توجه بوده است. جمهوری اسلامی ایران از منظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. پیشینه عظیم فرهنگی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و همچنین هویت مذهبی برآمده از آن و قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب شده است تا این کشور همواره به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه مورد توجه قرار گیرد. قابلیت گذرگاهی ایران به عنوان پل

ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه تمدن‌های بزرگ دنیا قرار داشته است. این نقش ارتباطی میان‌قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران افزوده است (حیدری، ۱۳۸۴: ۵۲). از سویی دیگر، کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه بر ارزش ژئواستراتژی ایران افزوده است. تردد شناورهای حامل سوخت برای انتقال آن به جهان صنعتی، نقش این منطقه را حیاتی کرده است. همین امر، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است؛ به گونه‌ای که تعامل و انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی استراتژیکی در جهان تبدیل نموده است.

بنابراین می‌توان گفت که موقعیت ژئوپلیتیکی و استثنایی ایران در میان کشورهای منطقه، دسترسی و تسلط بر این موقعیت در کنار موقعیت جغرافیایی عراق، محصوربودن عراق در خشکی، عدم دسترسی عراق به آب‌های آزاد، توسعه‌طلبی ارضی حاکمان رژیم بعث، اختلافات مرزی میان دو کشور، ناپایداری قراردادهای مرزی میان دو کشور، تجزیه استان خوزستان، مسئله رودخانه اروند و ... از جمله شاخصه‌های عوامل سرزمینی و قلمرویی در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. در میان نظریه‌پردازان تنش و منازعه، هاگت و کالینز و حافظ‌نیا به عوامل سرزمینی اشاره کرده‌اند.

عوامل هیدروپلیتیک: موقعیت و وضعیت جغرافیای طبیعی کشور عراق در قیاس با همسایگانش به گونه‌ای است که آب‌های جاری کناره‌های غربی ایران و کناره‌های جنوبی ترکیه به سوی سرزمین پست بین‌النهرین سرازیر می‌شوند. به عبارتی، دو کشور ترکیه و ایران به لحاظ هیدروپلیتیکی از موقعیت بالادستی نسبت به عراق برخوردارند. رودخانه‌های دجله و فرات از گذشته‌های دور نقش بسیار مهمی را در حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بین‌النهرین ایفا نموده‌اند. در حالی که حدود ۸۰ درصد شبکه دو رودخانه در قلمرو عراق قرار دارد، بیش از ۸۰ درصد آب این دو رودخانه از خارج از مرزهای عراق وارد می‌شود و همین امر، کشورهای همسایه عراق و علی‌الخصوص ترکیه و سوریه و ایران را در موقعیت فرادستی نسبت به عراق قرار داده است و اختلافات همیشگی را بین کشورهای عراق، ترکیه و سوریه بر سر تقسیم آب

دجله و فرات موجب شده است (هاشمی، ۱۳۹۶). آب‌های سرحدی و یا رودخانه‌های مرزی بین ایران و عراق از جمله رودخانه‌های اروند، کنجان‌چم و الوند همواره از موضوع‌های مورد اختلاف در روابط دو کشور بوده است و قریب به نیم‌قرن نحوه استفاده از آب این رودخانه‌ها مورد توجه و اعتراضات و مذاکرات متعدد مقامات محلی دو سوی مرزها و نیز مقامات مرکزی دو کشور بوده است (قربانی‌نژاد، بی‌تا: ۲۱۹).

به‌طور کلی می‌توان وضعیت توپوگرافی عراق، وابستگی هیدروپلیتیکی عراق به ایران، فرودستی هیدروپلیتیکی عراق نسبت به ایران، وجود منابع آب شیرین در ایران، تسلط بر رودخانه اروند، مسئله رودخانه‌های سرحدی، اختلاف درباره میزان آب رودخانه‌های مرزی و نحوه استفاده از آن‌ها و ... را از جمله شاخصه‌های عوامل هیدروپلیتیک در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برشمرد. هاگت و حافظ‌نیا به عوامل هیدروپلیتیک به عنوان یکی از عوامل مهم تنش و منازعه میان کشورها اشاره کرده‌اند.

عوامل ژئوکالچر: تفاوت‌های فرهنگی همواره میان مردم در کشورها، وجود داشته و دارد. در برخی مناطق و سرزمین‌ها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی ناشی از قومیت، مذهب، زبان و ... چالش‌ها و درگیری‌هایی شکل گرفته است. تفاوت‌های فرهنگی همراه با احساسات ملی‌گرایی، منجر به ایجاد جنبش‌های ملی‌گرایانه می‌شوند (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۶۶).

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، شکل‌گیری «ایدئولوژی انقلاب اسلامی» پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ ه.ش و ترس برخی کشورهای همسایه از صدور انقلاب، در شکل‌گیری جنگ میان ایران و عراق نقش مهمی داشت (سلامی، ۱۳۷۶: ۴۷). انقلاب اسلامی ایران به خاطر ایدئولوژی اسلامی که در منطقه داشت، مشروعیت حکام منطقه و به‌خصوص عربستان سعودی را زیر سؤال برده بود. از این‌رو آنان نیز سعی در از بین بردن انقلاب یا حداقل محدود کردن آن در مرزهایش داشتند. تا جایی که حمایت کشور عراق از طرف تمام کشورهای عربی، به جز لیبی و سوریه و اکثریت کشورهای غربی به‌خصوص کشور فرانسه که با فروش تسلیحات نظامی خود به عراق، ارتش این کشور را برای حمله به ایران مجهز نمود (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۶۰)، خود گویای این نکته است که چنین اجماعی بر ضد ایران به خاطر ترس از نفوذ ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران به خارج از مرزهای ایران و در نتیجه، محدود کردن آن در مرزهایش بود.

نکته قابل ذکر دیگر، اینکه قوی‌ترین رقیب ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران در منطقه، ایدئولوژی حزب بعث بود که با سردادن شعار «امه عربیه واحده ذات رساله خالده»؛ دعوی دفاع از ملت عرب را تبلیغ می‌کرد. آنان معتقد بودند که اعراب همیشه ملت واحدی را تشکیل می‌داده‌اند و اکنون نیز باید مرزهای میان کشورهای عربی برداشته شود و اعراب مجدداً ملت واحدی را تشکیل دهند (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۵۵). با این وصف، ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران که تمام مسلمانان را به وحدت و یکپارچگی می‌خواند، برای حزب بعث قابل تحمل نبود؛ چرا که در دنیای اسلام، با یک رقیب قدرتمند مواجه شده بود که برنامه اتحاد کشورهای عرب یا یک کشور عربی بزرگ را دستخوش تغییر کرده بود؛ به‌خصوص احساسات ضد ایرانی، بخش جدایی‌ناپذیر هویت دولت و حزب بعث عراق بود. رژیم بعث عراق با حمله به ایران، نه‌تنها درصدد اجرای طرح خود به عنوان ژاندارم خلیج‌فارس بود، بلکه به‌واسطه رنجش عمیق ناشی از نفوذ سیاسی و فرهنگی ایران در خلیج‌فارس، به دنبال نابود کردن انقلاب اسلامی بود (ادیب‌مقدم، ۱۳۸۸: ۷۳).

مسئله قومیت‌ها، به‌خصوص مسئله کردها نیز همواره به عنوان یک منبع مهم تنش میان دو کشور بوده است؛ بنابراین به طور اجمال می‌توان از رقابت ایدئولوژی حزب بعث با انقلاب اسلامی، رشد ناسیونالیسم عربی و پان عربیسم در تفکرات حاکمان رژیم بعث عراق، تعارضات قومی و هویتی میان دو کشور، تعارضات مذهبی و اعتقادی میان دو کشور، مسئله کردها و نزدیکی آنان به ایران، مسئله جریان خلق عرب و جدایی‌طلبی آنان، ژئوپلیتیک شیعه و عدم انسجام مذهبی در عراق، نزدیکی شیعیان عراق به ایران، شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی در منطقه در مقابل پان عربیسم، نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی ایران در کشورهای منطقه و فضای بین‌الملل، رشد جریان‌های شیعی در منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و ... را می‌توان به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های قابل‌بحث در حوزه عوامل ژئوکالچر در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یاد کرد. هاگت، کالینز، هانتینگتون و حافظ‌نیا به مسئله ژئوکالچر به عنوان یکی از عوامل مهم تنش و منازعه میان کشورها اشاره کرده‌اند.

عوامل سیاسی و ژئواستراتژی: انقلاب اسلامی در ایران در اوج جنگ سرد و دوقطبی بودن جهان و وابستگی محمدرضا شاه پهلوی به غرب و آمریکا به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب اسلامی، تحولی اساسی در همه ساختارهای حکومتی و نیز روابط خارجی ایران، به وجود آورد. در

حکومت جدید ایران، نوع ارتباط و تعامل با جهان سلطه و نیز سایر دولت‌ها، با دوران رژیم شاهنشاهی بسیار متفاوت بود. در انقلاب، «استقلال» به‌عنوان یکی از شعارهای اساسی ملت ایران در دستور کار سیاست خارجی کشور قرار گرفت. ایران از حوزه حمایت و پشتیبانی آمریکا و همسویی و همراهی با این کشور خارج و به‌عنوان کشور و قدرتی مستقل در صحنه سیاسی خاورمیانه که نظریه جدیدی را برای حکومت تجربه می‌کرد، پا به عرصه وجود گذاشت (علایی، ۱۳۹۵: ۳۷).

وقوع انقلاب اسلامی و اندیشه‌های سیاسی بنیان‌گذار آن، بیش از پیش باعث ایجاد یک انقلاب‌هراسی گسترده در فضای بین‌الملل و ساختار دوقطبی جهان شد. در زمان آغاز جنگ ایران و عراق، غرب به‌خصوص آمریکا در وضع تعارضی در برابر ایران قرار داشت. آنان از یک سو، نمی‌توانستند موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را در امنیت منطقه‌ای نادیده بگیرند و از طرف دیگر به پذیرش اهداف سیاسی و الگوهای رفتاری جمهوری اسلامی تمایلی نداشتند. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد نطفه بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح بین‌الملل و موافقت دو ابرقدرت شرق و غرب بسته شد.

در ساختار دوقطبی، شکل‌گیری بحران‌های منطقه نیازمند توافق یا مدیریت بحران قدرت‌های بزرگ است. در بروز جنگ عراق علیه ایران، می‌توان نشانه‌هایی ملاحظه کرد که از یک سو، ابتکار عمل برای کنش نظامی علیه ایران در اختیار آمریکا قرار داشت و از یک‌سوی دیگر اوضاع نشان می‌دهد که اتحاد شوروی نیز درباره موضوع منازعه موافق تداوم جنگ بوده است (متقی، ۱۳۸۹: ۶۶).

در واقع می‌توان گفت که فضای بین‌الملل توانست با قابلیت‌ها و مطلوبیت‌های استراتژیک خود، زمینه‌های لازم را برای اقدامات نظامی و امنیتی علیه ایران فراهم آورد. اقدامات محدودکننده علیه ایران، فعال‌سازی بحران‌های داخلی، فراهم کردن زمینه کودتا و ... از جمله زمینه‌سازی غرب برای بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. در طول جنگ نیز، دو ابرقدرت غرب و شرق از هیچ‌گونه حمایتی از دشمن متجاوز فروگذار نکردند.

از سویی دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث برهم خوردن ساختار امنیتی کشورهای منطقه نیز شد (کسرای، ۱۳۹۲: ۱۰۳). امنیت نسبی منطقه حساس خلیج فارس تا قبل از انقلاب

ایران، با ایفای نقش مکمل ایران و عربستان سعودی حفظ می‌شد که به طور نظام‌یافته‌ای، توسط ایالات متحده آمریکا و براساس قاعده دو ستونی مشروعیت می‌یافت. گفتمان انقلاب اسلامی ایران اما در جهت مقابله با شکل‌بندی‌های سیاست جهانی قرار داشت. ایران توانست تحولی ایجاد نماید که به موجب آن، دولت‌ها تنها نقش آفرینان صحنه جهانی تلقی نشوند. از سوی دیگر، قواعد بازی را صرفاً قدرت‌های بزرگ طراحی و اجرا نکنند. به عبارت دیگر، انقلاب ایران توانست نقدی فراگیر در سلسله‌مراتب قدرت‌های بین‌المللی و مشروعیت کشورهای منطقه‌ای در خاورمیانه ایجاد نماید (متقی، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

با بررسی وضعیت سیاسی و امنیتی ایران پس از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی، از جمله فعالیت‌های مسلحانه و تجزیه‌طلبانه گروهک‌های ضدانقلاب در مرزهای ایران، اختلافات سیاسی و حزبی در انقلابیون، ترور و حذف فیزیکی بسیاری از شخصیت‌های تراز اول انقلاب، اختلافات سیاسی ایران با آمریکا در پی تسخیر لانه جاسوسی و قطع ارتباط با آمریکا، اختلافات رئیس‌جمهور وقت با انقلابیون، وقوع کودتا، شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی، صدور انقلاب در اندیشه سیاسی رهبر جمهوری اسلامی و ... می‌توان به عنوان عوامل سیاسی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی ایران را احصاء نمود. از سویی دیگر، وضعیت سیاسی - امنیتی و نظامی عراق، وقوع کودتاهای پی‌درپی و تغییر حاکمیت در آن کشور، تغییر سیاسی نظام حاکم بر عراق و روی کار آمدن حزب بعث، دیدگاه و اقدامات حزب بعث پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رؤیاهای جاه‌طلبانه رئیس‌جمهور عراق، وسعت و عمق کم استراتژیکی عراق، ناسیونالیسم عربی و پان‌عربیسم در تفکرات حاکمان عراق، فعالیت مرجعیت شیعه در عراق و نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران، محرومیت شیعیان در ساختار سیاسی عراق و سوءظن به ایران در راستای حمایت از آن‌ها، ضعف آرمان سیاسی در رژیم بعث و بلندپروازی سران حزب بعث، درگیری کردها با رژیم بعث و نزدیکی آن‌ها به ایران و ... از جمله شاخصه‌های عوامل سیاسی و استراتژی در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی عراق هستند.

همچنین به طور اجمال، اجماع کشورهای عربی منطقه برای سرنگونی انقلاب اسلامی و تسلط بر ایران، وقوع انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری احتمالی کشورهای منطقه از آن، انقلاب‌هراسی در میان کشورهای منطقه، جلوگیری از صدور انقلاب در منطقه، گسترش مقاومت و غرب‌ستیزی

با پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه، اعتماد کشورهای منطقه به صدام برای سرنگونی ج.ا.ا، تأثیرگذاری و نفوذ حزب بعث در میان کشورهای منطقه، نفوذ قدرت‌های فرا منطقه‌ای در ساختارهای منطقه از جمله عوامل سیاسی و استراتژی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح منطقه‌ای؛ و انقلاب‌هراسی در فضای بین‌الملل، جلوگیری از صدور انقلاب در دنیا، گسترش مقاومت و غرب‌ستیزی با پیروزی انقلاب اسلامی در فضای بین‌الملل، برهم خوردن توازن قدرت در منطقه با پیروزی انقلاب، تصادم اهداف و سیاست‌ها و منافع ایران با ابرقدرت‌ها، سیاست‌های ضد استعماری و ضد استکبار انقلاب اسلامی، حوادث سیاسی در ایران و تأثیرگذاری آن روی روابط با دنیا، شکست استراتژی‌های آمریکا در منطقه، تعامل نظام دوقطبی برای سرنگونی انقلاب اسلامی، تأمین امنیت اسرائیل و کشورهای محافظه‌کار منطقه از سوی ابرقدرت‌ها، حمایت‌های تسلیحاتی کشورهای غرب و شرق از رژیم بعث عراق، تحریم تسلیحاتی ایران از سوی ابرقدرت‌ها، رقابت تسلیحاتی دو ابرقدرت جهانی در منطقه و ... از مهم‌ترین عوامل سیاسی و ژئواستراتژی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح بین‌الملل هستند. در میان نظریه‌پردازان تنش و منازعه، هاگت و کالینز و حافظ‌نیا به عوامل سیاسی و استراتژی اشاره کرده‌اند.

عوامل ژئواکونومیک: یکی از اهداف عمده عراق از برپایی جنگ، تسلط بر استان خوزستان و ضمیمه کردن این استان به خاک خود بود. استان خوزستان از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع سرشار نفت، برخورداری از زمین‌های مساعد کشاورزی و نیز بافت قومیتی‌اش در بین سایر مناطق کشور اهمیت بسزایی دارد. اروندرود به عنوان تنها رود قابل کشتیرانی ایران، حیاتی‌ترین شریان اقتصادی برای این استان است و حیات اقتصادی شهرهایی مانند خرمشهر و آبادان که از مهم‌ترین بنادر صادراتی ایران به شمار می‌روند، تا اندازه زیادی به این رود وابسته است. از سوی دیگر، بخش زیادی از منابع نفتی ایران در این استان واقع شده و از این نظر، اهمیت فراوانی برای این کشور دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۹: ۶۷).

بنابراین به طور اجمالی می‌توان به موقعیت ارتباطی ایران، تجزیه استان خوزستان و تسلط بر ذخایر آن، ژئوپلیتیک نفت، تحریم‌های اقتصادی ایران از سوی غرب و شرق، بلوکه شدن ذخایر ارزی ایران در بانک‌های آمریکا، کاهش درآمدهای نفتی ایران، آشفتنگی و نابسامانی اقتصادی در ایران و افزایش عواید نفتی عراق و صرف آن جهت تقویت و توسعه ارتش خود، کمک‌های

اقتصادی و مالی کشورهای عرب به عراق، انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای، ژئوپلیتیک نفت در منطقه و جهان، تأمین ثبات جریان نفت و کشتی‌رانی در منطقه، تأمین منافع ژئواکونومیک آمریکا در منطقه، تحریم اقتصادی ایران از سوی ابرقدرت‌ها، رقابت اقتصادی دو ابرقدرت در سطح بین‌الملل و ... را به عنوان شاخصه‌های عوامل ژئواکونومیک در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران عنوان نمود. هاگت، کالینز، لوتواک و حافظ‌نیا به مسئله ژئواکونومیک به عنوان یکی از عوامل مهم تنش و منازعه میان کشورها اشاره کرده‌اند.

۵ - نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

دیدگاه‌های نظری مختلفی در مورد ریشه‌ها، علل و ماهیت منازعه خشونت‌آمیز و جنگ وجود دارد. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان حوزه ژئوپلیتیک، عامل جغرافیا و ژئوپلیتیک نقش انکارناپذیری را در وقوع جنگ‌ها ایفا می‌کند. دولتمردان کشورهایی که با محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روبرو هستند، برای تغییر این وضعیت، غالباً دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه‌ای نسبت به همسایگان خود دارند و کشور ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش، همواره از این ویژگی تأثیر پذیرفته است. تجاوز عراق به ایران و راه‌اندازی جنگ هشت‌ساله را می‌توان از دیدگاه نظریات ژئوپلیتیکی تنش و منازعه، مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

دو کشور ایران و عراق با داشتن ۱۴۵۸ کیلومتر مرز مشترک، در شمال و شمال غرب خلیج فارس واقع شده‌اند. عراق با داشتن ۵۸ کیلومتر خط ساحلی در شمال غرب خلیج فارس، کمترین و ایران با داشتن ۱۲۵۹ کیلومتر خط ساحلی در شمال خلیج فارس، بیشترین مرز آبی را در این خلیج استراتژیک به خود اختصاص داده‌اند. از آنجا که عراق در خلیج فارس دارای مرز دریایی محدودی است، وابستگی کامل آن به خلیج فارس به‌منظور صادرات انرژی و واردات کالاهای اساسی، امری کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد. همین امر باعث بلندپروازی‌های حاکمان عراق در برهه‌های زمانی مختلف جهت دستیابی به آب‌های داخلی ایران و کویت به‌منظور رهایی‌یافتن از این تنگنای جغرافیایی از یک طرف و حساسیت نسبت به روابط سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس از طرف دیگر شده است. از طرفی دیگر، ساختار جغرافیایی ویژه عراق در ابعاد طبیعی و انسانی، خودبه‌خود باعث زمینه‌سازی بروز تنش و مناقشه با کشورهای همسایه شده

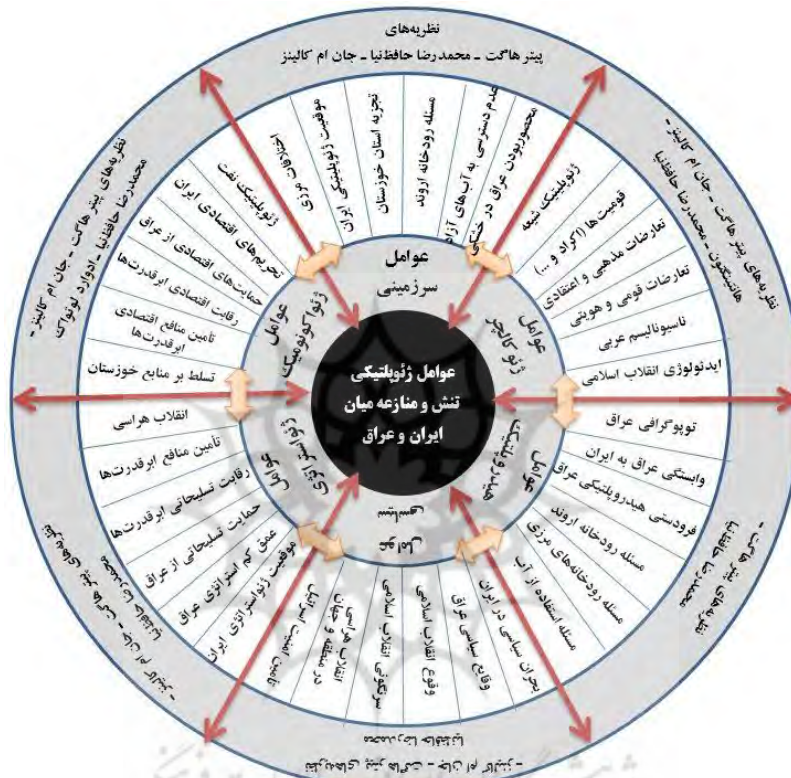
است. تداخل قومیتی با همسایگان، ساختار انسانی و فرهنگی ناهمگن داخلی، دسترسی محدود به آب‌های آزاد در خلیج فارس، وابستگی هیدروپلیتیکی به ترکیه و ایران، ادعاهای سرزمینی نسبت به کویت و ایران، کشمکش‌های مذهبی و قومیتی داخلی، اختلافات مرزی با ایران، کویت و عربستان، رقابت‌های منطقه‌ای با عربستان و ایران و از همه مهم‌تر ساختگی بودن این کشور توسط بریتانیا بعد از جنگ جهانی اول و طی نکردن موفقیت‌آمیز پروسه ملت‌سازی و ... تنها بخشی از تنگناها و مشکلات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی عراق به شمار می‌روند که به شکل‌های گوناگون تأثیر خود را در برقراری روابط خصمانه و یا دوستانه با همسایگان نشان داده است.

کشور عراق به عنوان کشوری که بیشترین مرز زمینی را با ایران دارد، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک نامناسبی که به‌ویژه در دسترسی به سواحل خلیج فارس از آن برخوردار است و تنها مسیر دسترسی آن به خلیج فارس نیز در حاکمیت مشترک با ایران قرار دارد، همواره ادعاهای توسعه‌طلبانه‌ای را نسبت به ایران مطرح کرده است. به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و فترتی که در مرحله گذار از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی در کشور پدید آمد، حاکمان بغداد ترغیب شدند تا به توسعه‌طلبی‌های خود درباره ایران جامه عمل بپوشانند؛ بنابراین، جنگ خانمان‌سوزی را که به مدت هشت سال طول کشید و خسارت‌ها و خرابی‌های بی‌شماری را برجای گذاشت، پی‌ریزی کردند. در این میان، حمایت کشورهای منطقه و بین‌الملل در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بسیار مهم و قابل تأمل است.

ارتش بعث عراق به فرماندهی صدام حسین با دستاویز قرارداد عدم عقب‌نشینی ایران از برخی نقاط مرزی براساس قرارداد ۱۹۷۵ و لغو یک‌طرفه آن، در تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ به‌طور رسمی تهاجم همه‌جانبه خود را به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، تاریخ‌پژوهان و تحلیلگران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، استقرار حاکمیت مطلق بر اروندرود، تصرف قسمتی از اراضی ایران در جبهه مرکزی و تجزیه استان خوزستان، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران، عهده‌دار شدن ژاندارمی منطقه و رهبری جهان عرب و کوشش برای تحقق دعای‌ای چون تغییر حاکمیت جزایر ایرانی در خلیج فارس (ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک) (سوداگر، ۱۳۹۱: ۹۴)، از عمده‌ترین انگیزه‌ها و اهداف عراق از تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران هستند؛ اما سواى این اهداف و انگیزه‌ها، همان‌طور که این پژوهش بررسی کرده است، جنگ

تبیین ژئوپلیتیکی عوامل تنش و منازعه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

تحمیلی عراق علیه ایران با بررسی نظریات ژئوپلیتیکی تنش و منازعه قابل تحلیل و بررسی است. در ادامه و با توجه به یافته‌های این پژوهش، پس از احصاء مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در قالب مدل زیر، راهکارها و پیشنهادهایی برای جلوگیری از بروز جنگی دوباره و یا جنگ‌های مشابه ارائه می‌گردد.



(شکل ۴) - عوامل ژئوپلیتیکی تنش و منازعه در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

ارائه راهکار و پیشنهاد:

۱) **حوزه عوامل سرزمینی:** یکی از تنگناهای مهم عراق، عدم دسترسی به آب‌های آزاد است. بدون تردید، همکاری و همگرایی میان دو کشور و فراهم شدن دسترسی آسان‌تر اما هدفمند عراق

به خلیج فارس توسط ایران، می‌تواند سودای توسعه‌طلبی ارضی حاکمان عراق را تا حدود زیادی مدیریت کند.

۲) **حوزه هیدروپلیتیک:** به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نه‌چندان دور، مسئله مهم هیدروپلیتیک میان دو کشور محل مناقشه و منازعه جدی گردد. پیش‌بینی می‌شود در آینده از اولویت‌های اصلی چالش‌برانگیز سیاست خارجی عراق، مسئله هیدروپلیتیک آن کشور باشد. به دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع آبی عراق با تهدید جدی مواجه است و در تنگنای هیدروپلیتیکی قرار دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود تا کارگروه خاصی متشکل از متخصصین و نظامیان خبره در وزارت دفاع تشکیل و ضمن بررسی تخصصی این مسئله، راه‌های برون‌رفت از بحران‌های احتمالی را احصاء نمایند.

۳) **حوزه ژئوکالچر:** با توجه به سهم حدود ۶۰ درصدی شیعیان از جمعیت عراق و پیوند عمیق ایدئولوژیک آنان با ایران، تأثیر مرجعیت عالی شیعیان در عراق در نوع نگاه عراق به ملت و حکومت ایران بسیار مؤثر بوده و می‌تواند از بروز اختلافات مذهبی و ایجاد بحران جلوگیری کند. همچنین قدرت‌یابی شیعیان در عراق علاوه بر ایجاد چشم‌اندازهای جدید برای احقاق حقوق بیشتر شیعیان در سایر کشورهای عربی، برای ایران نیز فرصت‌ساز بوده است. قدرت‌یابی شیعیان در عراق، ظرفیت‌های جدیدی برای تغییر ساختار قدرت و شکل‌گیری فرایندهای جدید امنیتی در سطح منطقه فراهم می‌کند. پیشنهاد می‌شود دولتمردان ایران با دیپلماسی موفق، راه به قدرت رسیدن شیعیان در عراق را هموارتر کنند.

۴) **حوزه ژئواستراتژی:** آمریکا همواره به عراق به عنوان تأمین‌کننده منافع خود نگریسته است. تضمین امنیت جریان صدور نفت، اثرگذاری بر روند صلح اعراب و اسرائیل، کنترل جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از نقش‌آفرینی این کشور در شمال عراق و منطقه کردستان، فرصت‌هایی بوده‌اند که پس از جنگ دوم خلیج فارس با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی عراق برای آمریکا فراهم شده است. از سویی دیگر، تنگنای ژئوپلیتیکی عراق، عامل انسانی و موقعیت جغرافیایی در حائل شدن بین ایران و جهان عرب همواره بسترهایی بوده‌اند که قدرت‌های بزرگ از آن در ایجاد

تنش در روابط دو کشور بهره‌برداری نموده‌اند. با نقش‌آفرینی سیاسی و دیپلماسی در دولت عراق، می‌توان از نزدیکی دوباره و تحریک حاکمان عراق نسبت به بروز جنگی دوباره جلوگیری کرد.

۵) **حوزه ژئواکونومیک:** دو کشور ایران و عراق دارای ذخایر عظیم نفت و گاز بوده و از اعضای اوپک می‌باشند. هرگونه همکاری در خصوص نفت و صادرات آن بین دو کشور می‌تواند تأثیرات زیادی بر صنعت بین‌المللی نفت بر جای گذاشته و از بروز بحران دوباره جلوگیری کند. هرگونه اقدام برای تقویت همگرایی میان دو کشور، ضروری است.

۶) **حوزه ژئواکونومیک:** حضور ایران در بازارهای اقتصادی عراق، تشکیل بازارچه‌های مرزی، راه‌اندازی مناطق آزاد تجاری و همچنین فراهم کردن زیرساخت‌های اقتصادی می‌تواند ضمن فراهم آوردن فرصت همکاری، از ایجاد تنش میان دو کشور بکاهد.



منابع و مأخذ:

الف) کتاب:

- ۱- ادیب‌مقدم، آرشین (۱۳۸۸). سیاست بین‌المللی در خلیج فارس: تبارشناسی فرهنگی؛ ترجمه داود غرایق زندی، تهران: شیرازه.
- ۲- الهی، همایون (۱۳۹۶). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس.
- ۳- پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۹). نقش عراق در شروع جنگ همراه با: بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث، چاپ چهارم، تهران: انتشارات باز.
- ۴- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۵- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۹۹). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ربیعی، حسین (۱۳۹۲). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). جغرافیای سیاسی فضای مجازی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۸- درایسدل، آلاسدایر؛ بلیک، جرالد اچ (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ترجمه دره میرحیدر، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۹- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۹۶). اصول و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۰- سلامی، حسن (۱۳۷۶). علل به وجود آورنده جنگ عراق علیه ایران، تدوین دفتر بررسی‌های سیاسی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل.
- ۱۱- شهلائی، ناصر؛ ولی‌وند زمانی، حسین (۱۳۹۶). نظریه‌های راهبردی، تهران: انتشارات دافوس آجا.
- ۱۲- روشن، علی اصغر؛ فرهادیان، نورالله (۱۳۸۸). فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی - نظامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۳- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.

- ۱۴- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- عزتی، عزت‌الله؛ نامی، محمدحسن (۱۳۹۲). تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق، تهران: انتشارات دانا پناه.
- ۱۶- علایی، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، تهران: نشر مرز و بوم.
- ۱۷- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت‌معلم.
- ۱۸- کرنک، مایک (۱۳۹۰). جغرافیای فرهنگی؛ ترجمه مهدی قرخلو، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۹- لوتواک، ادوارد ان (۱۹۹۰). از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی: منطق مناقشه؛ دستورالعمل تجارت، مجله منافع ملی.
- ۲۰- مولایی، علیرضا (۱۳۸۲). نقدی بر خواندنی‌های ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات دانشکده امام باقر (ع).
- ۲۱- میرحیدر، دره (۱۳۹۸). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۲- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). نظام دوقطبی و جنگ ایران و عراق، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۲۳- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۴- نورائی، منوچهر؛ شفایی، سعید (۱۳۸۵). امنیت خلیج فارس - گذشته، حال و آینده، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۵- نامی، محمدحسن (۱۳۸۹). جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی ن.م.
- ۲۶- والرشتاین، ایمینوئل موریس (۱۳۹۴). سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر)؛ مترجم پیروز ایزدی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

۲۷- هاگت، پیتر (۱۳۹۲). جغرافیا ترکیبی نو، جلد اول و دوم، چاپ ۱۲، تهران: انتشارات سمت.

ب) مقالات:

۲۸- پیشگامی فرد، زهرا؛ جنیدی، رضا (۱۳۸۹). ماهیت رفتار سیاسی روسیه در منطقه آسیای مرکزی و چالش‌های فرا روی ج.ا.ا، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، تابستان، صفحات ۸۲-۶۳.

۲۹- زین‌العابدین، یوسف؛ کارساز، انام (۱۳۸۹). جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول. صفحات ۴۵-۵۵

۳۰- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ صفوی، سید یحیی؛ میرزائی تبار، میثم (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل سیر تحول در نظریه‌های منازعه، نشریه سیاست دفاعی، شماره ۱۰۱، زمستان، صفحات ۱۳۳-۱۷۷

۳۱- سعیدزاده، محمدرضا؛ عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۹). پایان‌نامه نقش هیدروپلیتیکی رودخانه‌های مرزی در چگونگی روابط کشورهای ایران و عراق، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

۳۲- طاهری، مسعود؛ حیدری، غلامحسین؛ عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷). تحلیل معادلات قدرت جهانی در بستر ژئوکالچر، فصلنامه پژوهش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره چهارم، پاییز.

۳۳- قربانی‌نژاد، ریاز؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا؛ قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). بررسی مفهوم منازعه در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، شماره ۷۰، صفحات ۲۹۱-۲۶۵.

۳۴- قربانی‌نژاد، ریاز؛ شهریور، هومان؛ پارسایی، اسماعیل (بی‌تا). ایران و عراق، تحلیل منابع جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی خلیج فارس. صفحات ۲۲۹-۲۰۹.

- ۳۵- کسرائی، محمد سالار؛ موسوی، سید رحیم (۱۳۹۲). انقلاب و جنگ ایران و عراق، پژوهشنامه متین، سال ۱۵، شماره ۵۸، صفحات ۱۱۴ - ۹۳.
- ۳۶- مختاری هشی، حسین؛ کاویانی راد، مراد (۱۳۹۸). پردازش مفهوم هیدروپلیتیک، نشریه آب و توسعه پایدار، سال ششم، شماره ۲، صفحات ۱۵ تا ۲۶.
- ۳۷- هاشمی، سید مصطفی؛ فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۶). پایان نامه تبیین و مطالعه تطبیقی کد ژئوپلیتیکی ایران و عراق، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

(ج) منابع لاتین:

- 38- Collins, John M. (1998). *Military Geography: For Professionals and the Public*. Washington, DC: National Defense University Press.
- 39- Glassner, Martin & Fahter Chuck. (2004) "Piiii iical ee ogaahy." eeee ee cca ee w rrr Jaaan wiley & Sons, Inc.
- 40- Homer-Dixon, Thomas F. (1999). *Environmental, Scarcity and Violence*. Princeton. New Jersey: Princeton University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی